

## تبیین فرایند شکل‌گیری مفهوم استعداد مبتنی بر تحلیل شبکه واژگانی در قرآن کریم

منصوره ابوالحسنی\*<sup>۱</sup>، احمدرضا اخوت<sup>۲</sup>، معصومه اسماعیلی<sup>۳</sup>، هادی بهرامی احسان<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر این است که باتوجه به اشراف خداوند به ساختارهای وجودی انسان، مؤلفه‌های مفهومی استعداد از قرآن کریم استخراج شده و تعریفی جامع و متفاوت از آن ارائه شود. برای این منظور تک‌تک واژگان قرآن کریم به‌روش تحلیل مضمون استقرا شده و شبکه‌ای از واژگان مرتبط با مفهوم استعداد شکل گرفت. درنهایت این شبکه واژگان با چینی‌سازی منطقی کنار هم قرار گرفته و تعریف جامعی از استعداد پدید آمد. جامعه مطالعاتی، تمام آیات مرتبط با استعداد در قرآن کریم است و همه آیاتی که به‌نحوی مرتبط با استعداد بودند، به‌عنوان نمونه بررسی شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد تعریف به‌دست آمده از قرآن کریم، تفاوت منحصر به فردی با سایر تعاریف استعداد داشته که از آن جمله می‌توان به نگاه کل‌نگرانه قرآن به انسان، چندمؤلفه‌ای و فرایندی بودن، جهت‌مندی و هم‌راستایی آن با خداوند صاحب فضل و ماهیت اجتماعی و مسئولیت‌آور بودن استعداد اشاره کرد. به‌این‌ترتیب به‌واسطه نگاه کل‌نگرانه و جامع قرآن به انسان می‌توان ادعا کرد که نقص و محدودیت سایر نظریه‌ها - که هرکدام از زاویه‌ای به انسان نگاه می‌کنند - در این تعریف مشهود نبوده و همچنین فرایندی بودن آن می‌تواند همزمان اشاراتی نیز به گام‌های ایجاد و شکوفایی استعداد در انسان داشته باشد.

**واژگان کلیدی:** مفهوم استعداد، تحلیل مضمون، تحلیل شبکه واژگانی، تحقیق کیفی، قرآن کریم

Abolhasani692@gmail.com

okhovatnoor@yahoo.com

masemaaily@yahoo.com

hbahrami@ut.ac.ir

۱- نویسنده مسئول: دکتری رشته مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۲- عضو هیئت علمی مدرسه قرآن و عترت دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳- استاد گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۴- استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۲۴

## بیان مسئله

استعداد، واژه‌ای عمومی است که در حیطه‌های مختلفی از آن استفاده می‌شود. با این حال همچنان ابهامات و اختلافات بنیادی چشمگیری میان نظریات موجود در این باره به چشم می‌خورد. از آنجایی که برای شناسایی استعداد و جهت‌دهی صحیح آن، نیاز به وجود رویکردهای مشخص و متقن است، وجود این ابهامات و چندگانگی‌های فعلی، موانعی برای تحقق این مهم در جوامع ایجاد کرده است (گالاردو، درایز و گنزالس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳، ص ۲۹۱). ضرورت توجه به این مسئله بیشتر از آنجایی مشخص می‌شود که گاهی شناخت نداشتن و مدیریت نامناسب استعدادها، نه تنها به خود شخص آسیب می‌رساند، بلکه در نرسیدن به اهداف گروه‌ها و جامعه نیز تأثیرگذار است (لاولر و مهرمان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳، ص ۱۷؛ فرانک و تیلور<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴، ص ۳۴). به این ترتیب که وقتی استعداد را ذاتی فرض می‌کنیم (برادی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷؛ سیسی و ویلیامز<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰؛ کانوسکی<sup>۶</sup>، ۱۹۹۰؛ کانسیل و هزلت<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰؛ کانسیل، هزلت و اونس<sup>۸</sup>، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴؛ کانسیل، وی<sup>۹</sup>، سرافین<sup>۱۰</sup> و هزلت، ۲۰۱۰؛ سیمونتون و سانگ<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۹؛ و وینکوویزن، اسلوئیس، پستهوما و بومسما<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۹)، به آن معناست که برخی افراد، ویژگی‌های خاصی دارند؛ درحالی که دیگران فاقد آن ویژگی‌ها هستند. درمقابل وقتی استعداد را به‌عنوان توانی اکتسابی در نظر می‌گیریم (کلمن و کروس<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۱؛ کارنس و بین<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۱؛ رنزولی و ریس<sup>۱۵</sup>، ۱۹۸۵؛ دی بروین، اسمیت، ریکرز و اشمیت<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۸؛ تاملینسون<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۴؛ و ویلا و زیگلر<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۶)، به آن معناست که هر کسی تقریباً در هر زمینه‌ای می‌تواند عملکرد خوبی داشته باشد. در نتیجه تعریف استعداد به‌عنوان فرایندی ذاتی، شیوه‌های مدیریت استعداد را در عمل به سمت توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد می‌برد؛ درحالی که تعریف استعداد به‌عنوان فرایندی اکتسابی، رویکردهای فراگیری را در

- 1- Gallardo, Dries & Gonzalez
- 2- Lawler, E.E & Mohrman, S.A
- 3- Frank, F.D & Taylor, C.R.
- 4- Brody, N
- 5- Ceci, S. J & Williams, W. M
- 6- Kanevsky, L
- 7- Kuncel, N. R & Hezlett, S. A
- 8- Ones, D. S
- 9- Wee, S
- 10- Serafin, L
- 11- Simonton, D. K & Song, A. V
- 12- Vinkhuyzen, A, Sluis, S, Posthuma, D & Boomsma, D
- 13- Coleman, L. J & Cross, T. L
- 14- Karnes, F. A & Bean, S. M
- 15- Renzulli, J. S & Reis, S. M
- 16- De Bruin AB, Smits N, Rikers RM & Schmidt HG
- 17-Tomlinson, C. A
- 18- Vialle, W & Ziegler, A.

مورد مدیریت استعداد ایجاد می‌کند (ایلس، پریس و چوای<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰؛ ولویس و هکمن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). در تأیید تعریف دوم، در باب اهمیت و اثر محیط و موقعیت در تعیین استعدادها، لوهان<sup>۳</sup> (۲۰۰۵، صص ۳۳۶-۳۳۷) معتقد است اگرچه استعداد اغلب ریشه در آمادگی‌های بیولوژیکی دارد، اما موضوعی نیست که الزاماً در هنگام تولد تثبیت شود و از بسیاری خصوصیات که افراد با خودشان به موقعیتی می‌برند، معدودی از آن‌ها در اجرای عملکرد مطلوب فرد در آن موقعیت اثرگذارند. اسنو<sup>۴</sup>، کورنو و کرانباخ (۲۰۰۲، ص ۶۲) نیز معتقدند استعداد چیزی بیشتر از ساختارهای شناختی را در بر گرفته و توانایی‌ها و پیشرفت‌های انسان را نیز شامل می‌شوند. بنابراین از نظر ایشان استعداد به درجاتی از آمادگی برای یادگیری و عملکردی خوب در یک موقعیت یا حوزه‌ای خاص اشاره دارد.

باتوجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد برداشت‌های سنتی از تعاریف مربوط به استعداد صرفاً روی چگونگی دسته‌بندی افراد در مورد استعدادهای ذاتی‌شان متمرکز شده‌اند. این درحالی است که مفهوم استعداد در دیدگاه‌های جدید نیازمند برنامه‌ریزی‌های نوین در مورد شیوه‌های آموزشی است. به این ترتیب، شناسایی و مداخلات آموزشی نه تنها برای معدود افرادی که با تقسیم‌بندی‌های سنتی به عنوان افرادی با استعداد معرفی می‌شوند، بلکه برای عموم نیز به سیستمی برای تقویت پتانسیل‌های انسانی تبدیل می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد افزودن زمینه اجتماعی به جنبه‌های مختلف تعریف این سازه، چارچوب گسترده‌ای را برای محققین این حوزه فراهم آورد تا از آن طریق بتوانند رفتارهای مربوط به استعداد افراد را با معیارهای متنوعی مورد ارزیابی قرار دهند. به علاوه این دیدگاه، استعداد را به عنوان رفتاری قابل مشاهده و آشکار در مقابل ساختار نهفته و بالقوه موجود در فرد، مورد بررسی قرار می‌دهد (پلاکر و باراب<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵، ص ۲۰۳). در تأیید تعاریف اخیر از استعداد، دای<sup>۶</sup> (۲۰۲۰، ص ۷) نیز معتقد است که برتری شواهد علمی و دانش روان‌شناختی، مستلزم تجدید نظر در معنابخشی به پتانسیل‌های انسانی است. چنین تلاشی به حل و فصل اختلافات اجتماعی مرتبط با آموزش عمومی، به ویژه آموزش افراد مستعد و سیاست‌های آموزشی - که تضمین کننده عدالت و ارتقای استعدادهاست، کمک می‌کند.

از طرف دیگر هرکس به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های قرآن در گره‌گشایی از زندگی بشر آگاه باشد و به جوامع انسانی امروز، به خصوص جامعه مسلمانان نگاهی بیاندازد، اعتراف می‌کند که قرآن از زندگی آنان غایب است و در ایفای

- 
- 1- Iles, Preece & Chuai
  - 2- Lewis, R. E & Heckman, R. J
  - 3- Lohman
  - 4- Snow, Corno & Cronbach
  - 5- Plucker & Barab
  - 6- Dai

نقشی که در انسان‌سازی و راه نمودن به زندگی پاکیزه دارد، متروک مانده است. بنابراین لازم است مطالعات قرآنی در تمام عرصه‌های زندگی ورود پیدا کرده و منشأ تحول انسان و ساختارهای مختلف در زندگی او شود. پیرو این مهم، از آنجایی که استعداد به یکی از ساختارهای اساسی و مهم وجود انسان اشاره دارد و مفهومی است که لازم است افراد به سمت توجه به آن در خودشان هدایت شوند، پس از مرور مفهوم آن از جنبه‌های گوناگون، از منظر قرآن نیز مورد توجه و بررسی قرار گرفت.

خداوند متعال در قرآن، به منحصر به فرد بودن استعداد هر قطعه زمین اشاره کرده و می‌فرماید در روی زمین قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند (رعد، ۴). هر چند قطعات زمین به هم پیوسته‌اند، اما هر قطعه، ساختمان ویژه خود را دارد؛ یعنی استعداد هر بخشی از زمین این است که گیاه یا میوه ویژه‌ای را پرورش داده و از این طریق یکی از نیازهای انسانی را تأمین کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴). به این ترتیب خداوندی که به بیان تفاوت‌های قطعات زمین و بهره‌های مختلفی که هر کدام می‌توانند برای انسان داشته باشند، اشاره کرده و توجه به آن را مهم قلمداد کرده، قطعاً در مورد انسان و تفاوت‌های او نیز به نحو کاملی سخن گفته که توجه به آن می‌تواند در کیفیت هدایت انسان به سمت استعدادهایش اثرگذار باشد. همچنین در ادبیات پژوهشی موجود، در دوره‌ای بیشتر به ذاتی بودن مفهوم استعداد و استراتژی‌های شناسایی آن با محوریت افراد مستعد و خاص توجه شده است (گالتون<sup>۱</sup>، ۱۸۶۹؛ نایسر، بودو، بوچارد بویکین، برادی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶؛ برادی، ۱۹۹۷؛ سیسی و ویلیامز، ۲۰۱۰) و در دوره‌های دیگر بستر قرارگیری افراد و نقش آموزش پررنگ‌تر شده و مطابق با آن، استراتژی نوع نگاه به انسان نیز تغییر کرده است (طبق نظر لوهان، ۲۰۰۵؛ لویس و حکمن، ۲۰۰۶؛ ایلس و همکاران، ۲۰۱۰؛ و دی، ۲۰۲۰). به عبارت دیگر اینکه هر کدام از نظریات صرفاً از زاویه‌ای به این مفهوم نگاه کرده‌اند، باعث شده تعاریف به نسبت فقدان توجه به سایر ابعاد و زوایای مهم در سازه مربوطه، نقص و محدودیتی نیز در تبیین انسان و توانمندی‌هایش داشته باشند. استعداد درحقیقت نسبت یک ویژگی به انسان است و در امور ترکیبی، تعاریف اصولاً به موقعیت و ابعاد فرهنگی و فضای ذهنی تعریف‌کننده بستگی داشته و اشراف کامل تعریف‌کننده به موضوع نیز در جامعیت تعریف مورد نظر اثر منحصر به فردی دارد. به این ترتیب رجوع به قرآن و کلام خالق، تنها مرجعی است که می‌تواند تعاریفی دقیق، جامع و بدون محدودیت‌های انسانی از موضوعات زندگی ارائه دهد. مؤید این مطلب، کلام قرآن در آیه ۸۹ سوره نحل<sup>۳</sup> است که قرآن را تبیان‌کننده و روشن‌گر امور هدایتی انسان بیان می‌کند<sup>۴</sup>. بنابراین فهم کلام قرآن که هستی را از

1- Galton, F

2- Neisser, Boodoo, Bouchard, Boykin & Brody

۳- وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بَشْرًا لِّلْمُسْلِمِينَ.

۴ - علامه طباطبایی در توضیح این آیه می‌فرماید: چون قرآن کریم کتاب هدایت برای عموم مردم است و جز این، کار و شأنی ندارد، بنابراین ظاهراً مراد از «لِكُلِّ شَيْءٍ» همه آن چیزهایی است که برگشتش به هدایت باشد. از قبیل معارف حقیقی مربوط به مبدأ، معاد، اخلاق فاضله، شرایع الهی و قصص و مواظبی که مردم در اهتداء و راه یافتن‌شان به آن محتاجند و قرآن تبیان همه این‌هاست.

زبان هستی‌آفرین به انسان ارائه می‌دهد، در پژوهش حاضر اهمیت خاصی پیدا می‌کند. به‌این‌ترتیب پژوهش حاضر باتوجه به احاطه خداوند بر جنبه‌های مختلف وجودی انسان، به کشف شبکه واژگانی و ارائه تعریفی جامع و کامل از استعداد در قرآن کریم پرداخته است.

در ادبیات پژوهشی موجود، به‌دلیل اهمیت بحث استعداد و استعدادشناسی، مطالعات زیادی چه در داخل و چه در خارج از کشور انجام شده است. به‌عنوان مثال صادقی مال امیری (۱۳۹۲) در پژوهشی باعنوان «الگوی تحلیل چپستی استعداد»، ساختاری هرمی از استعدادهای انسان ارائه داده است. همچنین سیدجوادین و پهلوان شریف (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی باعنوان «مدیریت استعداد؛ مبانی و رویکردهای مفهومی» به تحلیل مضمون تعاریف موجود از استعداد پرداختند که درنهایت این تعاریف را در ۸ دسته طبقه‌بندی و مورد ارزیابی قرار دادند. باین‌حال محقق در بررسی سایر پژوهش‌های موجود در این حیطه، پژوهشی که به مفهوم استعداد صرفاً از منظر قرآنی آن پرداخته باشد - که هدف اختصاصی پژوهش حاضر است - نیافت. یکی از نزدیک‌ترین مقالاتی که به بررسی مفهوم استعداد در قرآن در کنار سایر نظریات فیلسوفان پرداخته و سعی در تبیینی جامع از استعداد دارد، پژوهش علم‌الهدی، قاسم‌زاده و مهاجر دارایی (۱۳۹۸) باعنوان «مفهوم‌شناسی استعداد به‌مثابه یکی از عوامل رشد در قرآن ازمنظر علامه طباطبایی و صدرالمآلهین» است که در این مقاله به رشد محور بودن مفهوم استعداد اشاره شده است.

به‌این‌ترتیب براساس خلأ پژوهشی شناسایی شده، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤالات پژوهشی

است:

۱- اجزا و مؤلفه‌های استعداد از منظر قرآن کریم چیست؟

۲- تعریف استعداد از منظر قرآن کریم چیست؟

## روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و به‌روش تحلیل مضمون است که با هدف استخراج چپستی استعداد و مؤلفه‌های مفهومی آن از قرآن انجام شده است. مضمون، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تا حدی، معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (براون و کلارک، ۲۰۰۶). در این روش، واحد تحلیل، بیشتر از یک کلمه یا اصطلاح است و به بافت داده‌ها و نکات ظریف آن‌ها توجه می‌شود. به‌این‌ترتیب با در نظر گرفتن اینکه رسیدن به فهم حاصل از این فرایند، در تحلیل و تبیین مفاهیم متون وحیانی دارای اهمیتی

صدچندان است، در پژوهش حاضر واحد تحلیل، واژگان قرآن در بافت آیات مربوطه در نظر گرفته شد. سپس از کدهای مضامین اصلی برای تحلیل عمیق تر داده‌ها استفاده شد.

در تحلیل مضمون، می‌توان مضامین یا الگوی داده‌ها را به‌روش استقرایی (مبتنی بر داده) شناخت (پاتون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰، ص ۸۵). در پژوهش حاضر ابتدا تک‌تک واژگان قرآن از طریق استقرای تام مورد مطالعه قرار گرفته و از آن میان، واژگان مرتبط با مفهوم استعداد انتخاب شدند. در ادامه مضامین استخراج شده از واژه‌های قرآنی، براساس روندی مشخص در قالب مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین دربرگیرنده اصول حاکم بر متن) نظام‌بندی شدند. سپس این مضامین به‌صورت نقشه شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده شد. در نهایت نیز با بررسی لغوی و تحلیل مفهومی این واژگان، توجه به استعمال قرآنی آن‌ها و استخراج آیات، مؤلفه‌های مفهومی استعداد در قرآن کریم تبیین شد.

### یافته‌های پژوهش

به‌منظور دستیابی به شبکه مفهومی استعداد در قرآن کریم ابتدا اقدامات زیر صورت گرفت:

باتوجه به این امر که واژه استعداد، صراحتاً در متن قرآن به‌کار نرفته و مفهومی است که از علم روان‌شناسی و بیرون از ساحت قرآن انتخاب شده، به‌جهت تجمیع مؤلفه‌های موجود در مفهوم استعداد، اقدامی درجهت تحلیل محتوای اجمالی از تعاریف موجود از استعداد صورت گرفت تا بتوان برای شناسایی واژه‌های مرتبط در قرآن از این مؤلفه‌ها استفاده شود. گام‌های انجام این کار در ادامه بیان شده‌اند:

گام اول: جمع‌آوری و بررسی تعاریف موجود از استعداد

گام دوم: تعیین شاخص‌های کلیدی مستخرج از این تعاریف برای ارائه تعریف واحد اولیه

گام سوم: استخراج مؤلفه‌های موجود در تعریف به‌دست آمده به‌جهت شناسایی واژه‌های مرتبط در قرآن

جمع‌بندی این مراحل در جدول ۱ نشان داده شده است:

جدول ۱: مراحل استخراج مؤلفه‌های مهم تعاریف موجود در علم روان‌شناسی از مفهوم استعداد

مؤلف	تعریف از استعداد	شاخص‌های کلیدی استخراج شده	تعریف جمع‌بندی شده	مؤلفه‌های مهم موجود در تعریف
آپدای و همکاران (۲۰۱۷)	استعداد، صلاحیت و خبرگی ذاتی، فیزیکی یا ذهنی برای انجام فعالیت‌هایی مشخص و در سطحی خاص و از طرف دیگر دانشی توسعه یافته، مهارت و نگرشی قابل یادگیری و اکتسابی است.	۱- آمادگی‌هایی دارای منشأ طبیعی، فطری و اکتسابی برای انجام اعمال ۲- اثرگذاری محیط بیرونی در شکوفایی استعداد	تعریف جمع‌بندی شده	۱- چندمؤلفه‌ای بودن ماهیت استعداد ۲- وجود سیر و مرتبه‌بندی در ماهیت استعداد
کلاین (۱۹۹۳)	استعداد به مجموعه‌ای از توانایی‌ها اطلاق می‌شود که در فرهنگ‌های خاص با ارزش به‌شمار می‌رود.	۳- تأثیر فرهنگ بر ارزشمند قلمداد کردن برخی استعدادها؛ تعریف متفاوت استعداد در بافت‌های مختلف فرهنگی	استعداد	۳- توجه به نوع و ماهیت خلقت انسان در ایجاد مراتب اولیه استعداد
دین کیت سیمونتون (۲۰۰۱)	استعداد بسته‌هایی از ویژگی‌های رشدی و شخصیتی برای تسریع در کسب تخصص یا افزایش عملکرد با توجه به مقدار مشخصی از آن تخصص است.	برخی استعدادها؛ تعریف متفاوت استعداد در بافت‌های مختلف فرهنگی	مجموعه‌ای از ظرفیت‌های فیزیولوژیکی، روانی و اجتماعی است که برای انسان امکان تحقق عملکرد بهتر و دستیابی به مجموعه‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌ها را به‌سبب فراهم می‌آورد.	۴- توجه به اثر تعاملات و بستری‌های اجتماعی در ایجاد مراتب بالاتری از استعداد
دای (۲۰۲۰)	ژن‌ها در انسان مکانیسم‌های تجربه هستند. استعداد از طریق تعامل ژن‌ها و محیط توسعه می‌یابد. به‌نحوی که می‌توان گفت استعداد و تمرین مکمل هستند.	۴- اثر رشد در ظهور و بروز استعداد ۵- تأثیر سه عنصر اساسی سن، تعلیم و تربیت و جنیست بر استعداد	امکان تحقق عملکرد بهتر و دستیابی به مجموعه‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌ها را به‌سبب فراهم می‌آورد.	۵- توجه به استعداد به‌عنوان مقوله‌ای اثرگذار در ظهور و بروز دستاوردها و خروجی‌های انسان
مون (۲۰۰۲)	استعدادها تخصص‌های رشدیافته‌ای در حوزه خودمدیریتی هستند که توسط فرد به سمت نتایج انتخاب شده‌ای چون رفاه، شادی، روابط شخصی، سرگرمی‌ها و دستاوردهای شغلی هدایت می‌شوند. این جریان یک پیوستار است. کسانی که در میانه این پیوستار هستند دارای صلاحیت شخصی و کسانی که در انتهای پیوستار قرار دارند، دارای استعداد شخصی هستند.	۶- مفهوم فرایندی استعداد با محوریت سن: رشد و پختگی ۷- استعداد به‌عنوان تخصص‌هایی رشدیافته در حوزه خودمدیریتی و جهت‌دهنده انسان به‌سوی شادی و رضایت	فراهم می‌آورد.	۶- توجه به استعداد از منظر ظرفیت‌های درونی و مهارتی انسان ۷- توجه به استعداد به‌عنوان بازکننده مسیری برای دستیابی به اهداف و مقاصد انسان

از بررسی و تحلیل تعاریف فوق، مؤلفه‌های معنایی استعداد در محورهای زیر دسته‌بندی شدند: چندمؤلفه‌ای بودن ماهیت استعداد، وجود سیر و مرتبه در ماهیت استعداد، توجه به نوع و ماهیت خلقت انسان در ایجاد مراتب اولیه استعداد، توجه به اثر تعاملات و بسترهای اجتماعی در ایجاد مراتب بالاتری از استعداد، توجه به استعداد به‌عنوان مقوله‌ای اثرگذار در ظهور و بروز دستاوردهای انسان، توجه به استعداد از منظر ظرفیت‌های درونی و مهارتی انسان و توجه به استعداد به‌عنوان بازکننده مسیری برای دستیابی به اهداف و مقاصد.

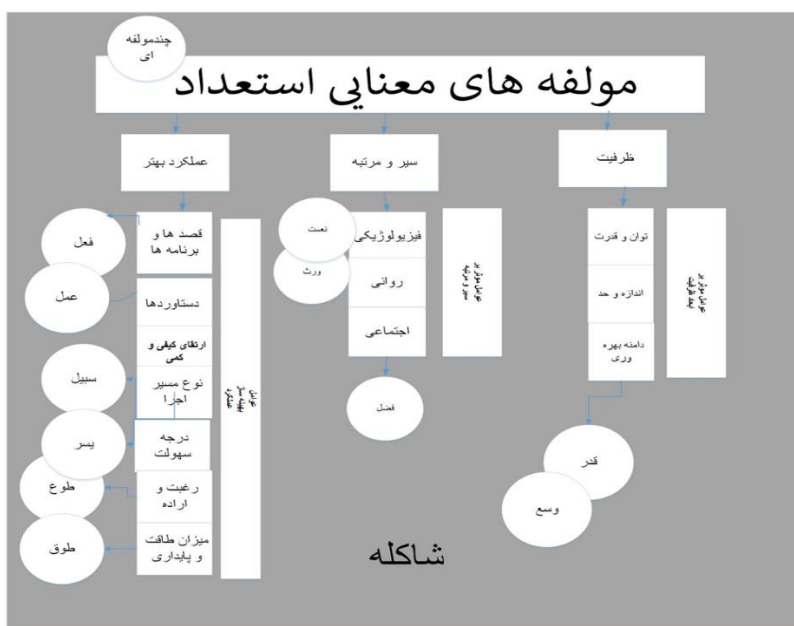
در ادامه این مؤلفه‌ها در سه محور «ظرفیت»، «سیر و مرتبه» و «عملکرد بهتر» خلاصه شدند. محور ظرفیت شامل توان و قدرت‌های انسانی، اندازه و حدود این توان‌ها و میزان گستردگی آن است. محور سیر و مراتب به‌ترتیب شامل مراتب استعداد‌های جسمانی و فیزیولوژیکی، استعداد‌های روانی و استعداد‌های اجتماعی است. محور عملکرد بهتر شامل قصدها و برنامه‌های انسان، دستاوردها، ارتقای کمی و کیفی عملکرد، تعیین مسیرهای عملکرد، سهولت در عملکرد، رغبت و اراده در عمل و طاقت و پایداری است که در عمل از خود نشان می‌دهد. این دسته‌بندی‌ها در نمودار ۱ نمایش داده شده‌اند:



نمودار ۱: مؤلفه‌های مفهومی استخراج شده از تعریف استعداد در روان‌شناسی



پس از تحلیل مؤلفه‌های مفهومی فوق از استعداد، ۱۷۰۰ واژه قرآنی به‌طور کامل استخراج شده و به‌لحاظ مفهومی و قرابتی که می‌توانستند با این مفاهیم داشته باشند، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند. در نهایت از آن میان، ۱۴ واژه «فعل»، «قدر»، «وسع»، «یسر»، «عسر»، «نعمت»، «فصل»، «سبیل»، «کلف»، «طوع»، «ورت»، «عمل»، «شکل» و «طوق» انتخاب شدند که برخی از آن‌ها پوشانندگی بیشتری با مفهوم استعداد داشته و برخی دیگر بخشی از مفاهیم مورد نظر را در خود داشتند و به‌این‌ترتیب شبکه‌ای واژگانی از مفهوم استعداد شکل گرفت. این واژگان در نمودار ۲، ذیل هر کدام از مؤلفه‌های استخراج شده از تعریف استعداد در روان‌شناسی نشان داده شده‌اند:



نمودار ۲: رابطه مؤلفه‌های استخراج شده از تعریف استعداد در روان‌شناسی با واژگان انتخابی در قرآن

در جدول ۲ معنای لغوی هر یک از واژگان فوق براساس دو کتاب لغت «قاموس قرآن» و «التحقیق فی کلمات قرآن الکریم» مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

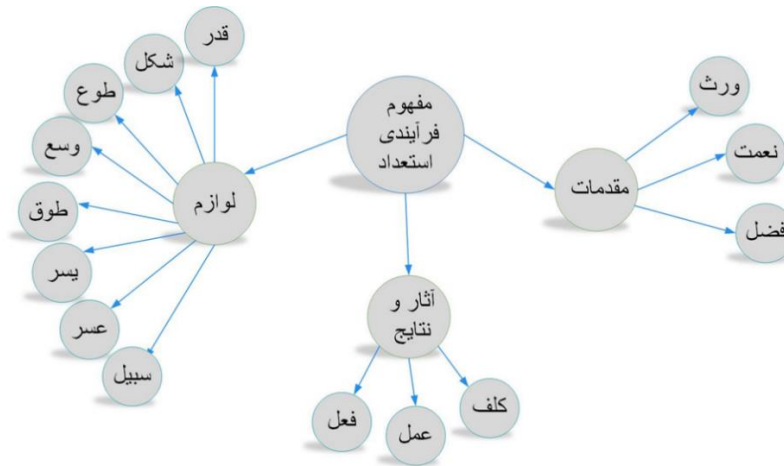
**جدول ۲: معنای لغوی شبکه واژگانی مرتبط با مفهوم استعداد در قرآن**

واژه	قاموس قرآن	التحقیق فی کلمات قرآن الکریم
قَدْر	قدرت و مقدره به معنی توانایی است. راغب قدر را بیان کمیت شیء می‌داند که در معانی غیر محسوس نیز به کار می‌رود.	قوتی است که اگر بخواهد به وسیله آن فعلی را انجام می‌دهد و اگر نخواهد انجام نمی‌دهد.
فِعْل	کار	صدور اختیاری عمل و ایجاد آن از روی قصد، مختص انسان و حیوان.
عَمَل	کار، اعم از آنکه خوب باشد یا بد. راغب گوید: عمل هر فعلی است که از حیوان از روی قصد واقع شود و اخص از فعل است.	آن چیزی است که از فعل اختیاری انسان یا حیوان یا جن یا شیطان حاصل می‌شود. هر عمل شایسته یا زشت، اثری طبیعی و اثری جزائی و الهی دارد.
کَلْف	ظهور اثر. الزام شاق را از آن جهت تکلیف گویند که اثرش در انسان ظاهر می‌شود. تکلف آن است که انسان کاری را به مشقت یا تصنع انجام دهد.	تعلق امری به چیزی و عارض شدن مشقتی در آن چیز برخلاف جریان عادی. تکلیف، تعلق امری به انسان است که در آن کَلْفُهُ (رنج) و مشقت است، تکلف، به معنای اظهار طوع (داوطلبی) در مقابل تکلیف است.
طوق	تعریف ندارد	احاطه و گرد شدن در اطراف چیزی؛ خواه محسوس باشد یا معقول. اسم این فعل، طاقه است؛ و آن حالتی است که از طوق حاصل می‌شود؛ یعنی تحمل طوق و قرار گرفتن قهری در زیر این محدودیت. و از آنجا که طوق غالباً با مقهور شدن و محدودیت و تحمل ملازم است، اسم طاقت در این معنا به کار می‌رود.
وَرَث	منتقل شدن مالی از دیگری بدون خریدن و نظیر آن	انتقال چیزی به طور جزئی یا کلی از شخص یا موضوعی به شخصی دیگر که می‌تواند مادی یا معنوی باشد. میراث چیزی است که منتقل می‌شود و وسیله وراثت است که می‌تواند مادی - مانند مال - یا معنوی - مانند علم و مقام - باشد.
شَکْل	تعریف ندارد	صورت (عکس و تصویر) همراه با توجه به خصوصیات آن. این معنا در هر چیز بر حسب همان چیز است؛ خواه مادی باشد یا معنوی. شاکله، هیئت اجمالی دارای ویژگی‌های ظاهری یا طبیعی باطنی است که شکل‌گیری مخصوصی را در صورت و شکل اقتضا می‌کند؛ زیرا شکل صوری، اثر صفات و طبایع باطنی است.
طوع	رغبت و میل.	عمل به مقتضای امر و حکم، همراه با رغبت و خضوع.

<p>پس این ماده سه قید دارد: رغبت، خضوع و عمل بر طبق دستور. معنای جامع همه این‌ها وجود چیزی است که عمل را اقتضا کند. پس معنای استطاعه، تحقق اقتضا و آمادگی و قرار گرفتن در مقام عمل به وظیفه و اطاعت امر است. در واقع استطاعت به معنای تحقق چیزی است که حصول چیزی را که فرد، مأمور و موظف به انجام آن است، اقتضا می‌کند (یعنی توانایی).</p>	<p>راغب گوید طوع به معنی انقیاد است. طاعت نیز بدان معنی است، لیکن بیشتر در فرمانبری و اطاعت به کار رود. استطاعت نیز به معنی قدرت و طلب طاعت است، ولی در قرآن پیوسته به معنی قدرت آمده و به قول راغب اخص از قدرت است.</p>
<p>سهولت در گشایش و مقابل عُسر. خَفَّةٌ (سبکی)، انفتاح (گشایش)، غِنَى (بی‌نیازی)، انقیاد (فرمانبری)، لِينَةٌ (نرمش)، سرعت در تبعیت و حُسْنِ جریان و سیر (رفتن)؛ هر کدام از جهتی از آثار این ماده هستند.</p>	<p>یُسْر آسانی</p>
<p>شدت در صعوبت (دشواری) و مضیقهِ (تنگی) انبساط (گسترش) در حال احاطه در مقابل ضیق (تنگی). در موارد مادی و معنوی به کار می‌رود. از مصادیق آن: وُسْع در طاقت و قدرت؛ به‌گونه‌ای که موجب گسترش استعداد و عمل شود و جواز در عمل است. وُسْع در نفس، امری معنوی و به معنای شدت در استعداد و ظرفیت است.</p>	<p>عُسر دشواری و نقیض یسر</p> <p>وُسْع فراخی و گسترش</p>
<p>طیب عیش (خوشایندی زندگی) و حُسْنِ حال. این ماده در مقابل بؤس به معنای مطلق شدت (سختی) و مضیقهِ (تنگی) است.</p>	<p>نِعْمَت به هر آنچه خدا به انسان داده تعبیر شده و آن را به جهت خوب و دلچسب بودن، نعمت گفته‌اند.</p>
<p>زیاده (فزونی) بر میزان لازم مقرر. بنابراین فضیلت چیزی است که از حد لازم جاری بیشتر است. و فضل از سوی خداوند تعالی عبارت است از عطای الهی بیش از حد لازم و مقرر در مقام تأمین زندگی مادی و روحانی. فضل، یا ابتدایی و از جهت تکوین و در اصل خلقت یا بعد از آن است و یا مسبوق به اموری است که در کسی که فضل به او تعلق دارد، یافت می‌شود. مطابق آیه ۲۵۳ سوره بقره پنهان نیست که فضیلت در هر موضوعی بر حسب اقتضای همان مورد و به مناسبت وظیفه‌ای است که از سوی خدای تعالی بر عهده او نهاده شده است. همچنین فضل ثانوی از سوی خداوند، بر حسب اقتضای حال و به مقتضای زبان درخواست از جهت حال و مقال (کلام) به فضل اولی ملحق می‌شود (بر/هیم، ۳۴) و این همان فضل ثانوی الحاقی و فیضی است که به مردم در اثر دعایشان و اقتضای حالاتشان تعلق می‌گیرد.</p>	<p>فَضْل زیادت و ضد نقص. فضل در قرآن به دو معنی به کار رفته: اول برتری، دوم عطیه و احسان و رحمت.</p>

سبیل	راه. اعم از آنکه راه هدایت باشد یا راه معمولی، یا راه ضلالت	چیزی که از نقطه‌ای امتداد و ارسال و اسبالیابد. پس آن راه آسان طبیعی ممتدی است که فرد را به نقطه مورد نظر می‌رساند؛ خواه مادی باشد یا معنوی.
------	---	---

به این ترتیب در پاسخ به سؤال اول، مؤلفه‌های معنایی استعداد از منظر قرآن کریم در این ۱۴ واژه خلاصه شده و شبکه واژگانی از آن‌ها برای مفهوم استعداد شکل گرفت. برای پاسخگویی به سؤال دوم پژوهش، با بررسی لغوی و تحلیل مفهومی واژگان استخراج شده، توجه به استعمال قرآنی آن‌ها و استخراج آیات، مؤلفه‌های مفهومی استعداد در قرآن کریم تبیین شده و براساس چینی منطقی برای ارائه تعریف، در کنار هم قرار گرفته و دسته‌بندی شدند. حاصل این دسته‌بندی‌ها را می‌توان در شبکه‌ای از مضامین در سه دسته مضامین «فراگیر»، «سازمان‌دهنده» و «پایه» قرار داده و مورد تحلیل و بررسی قرار داد. مفهوم فرایندی استعداد به‌عنوان مضمون فراگیر و در کانون شبکه مضامین قرار گرفت. مقدمات، لوازم، نتایج و آثار مؤلفه‌های شکل‌گیری استعداد نیز به‌عنوان مضامین سازمان‌دهنده و در نقش واسطه‌ای بین مضامین فراگیر و پایه و واژه‌های مرتبط با هر کدام از این مضامین که مبین مفاهیم و نکات کلیدی متن بودند، به‌عنوان مضامین پایه در نظر گرفته شدند. در نمودار ۳، این شبکه مضامین و روابط بین آن‌ها ترسیم شده است:



نمودار ۳: شبکه مضامین مفهوم فرایندی استعداد در قرآن کریم

از جمع‌بندی مفهوم لغوی و مطالعه آیات حاوی واژگان به‌دست آمده، نسبت هر کدام از آن‌ها با مفهوم استعداد مورد بررسی قرار گرفته و در جدول زیر به تفکیک ارائه شدند.

**جدول ۳:** نسبت واژگان استخراج شده از قرآن با مفهوم استعداد

مقدمات مؤلفه‌های مقدماتی برای شکل‌گیری مفهوم استعداد)	لازمه معنا (مؤلفه‌های لازم برای شکل‌گیری مفهوم استعداد)	آثار و نتایج (مؤلفه‌های مرتبط با آثار منتج از شکل‌گیری استعداد)
توان‌های ذاتی (ورث)	قرار گرفتن در محدوده خاص (شاکله) به‌جهت ایجاد اقتضای بروز	ایجاد فعل در فرد
توان‌های عمومی (نعمت و بخشی از فضل)	وجود رغبت و اراده در فرد (طوع)	بروز عمل
توان‌های اختصاصی (فضل)	گذر از مسیری خاص و سهل‌الوصول (سبیل و یسر)	هم‌راستایی با اراده الهی (عمل و تکلیف)
	وجود طاقت رویارویی با مسائل (طاقه)	
	وسعت در توان‌ها (وسع)	
	قدرت در توان‌ها (قدر)	

براساس جدول ۳، هریک از واژگان در قالب مضامین پایه به‌نسبت مفهوم استعداد در سه مضمون سازمان‌دهنده مقدمه، لازمه معنا و نتیجه قرار گرفتند. در ستون مقدمات، واژگان و مؤلفه‌هایی ذکر شده‌اند که مربوط به مقدمات اولیه شکل‌گیری استعداد هستند. مقدمات هر مفهوم یا کلمه، مؤلفه‌هایی هستند که تأمین‌کننده زمینه تحقق آن هستند. در میان موارد حاصل از بررسی و تحلیل واژگان، «ورث»، «نعمت» و «فَضْل» را می‌توان دارای ویژگی زمینه‌ای برای مفهوم استعداد دانست. ستون دوم باعنوان لازمه معنای شکل‌گیری استعداد، مربوط به واژگان و مؤلفه‌هایی است که شکل‌گیری استعداد پس از فراهم آمدن مقدمات اولیه، قائم به آن‌هاست. به‌عبارت دیگر لوازم هر واژه، مؤلفه‌هایی هستند که بلاشک برای تحقق آن مفهوم باید جمع شوند. به‌این‌ترتیب از میان واژگان استخراجی از آیات شریفه، موارد «شکل»، «طوع»، «سبیل»، «عُسر و یُسْر»، «طوق»، «وَسْع» و «قدر» را می‌توان دربردارنده لوازم معنای مفهوم استعداد دانست. ستون سوم نیز مربوط به واژگان و مؤلفه‌هایی است که اشاره به آثار منتج از شکل‌گیری مفهوم استعداد دارد. آثار و نتایج نیز مؤلفه‌هایی هستند که با تحقق مقدمات و لوازم یک مفهوم، ظهور می‌یابند که در اینجا عبارت از «فعل»، «عمل» و «کَلْف» هستند.

به این ترتیب از مجموع بررسی‌های فوق، این تعریف به دست آمده است: استعداد مجموعه‌ای از توان‌های ذاتی - که با تولد فرد به او اعطا شده - توان‌های اکتسابی عمومی - که همه مردم به نوعی از آن بهره‌مند هستند - و توان‌های اختصاصی - که هر فرد به طور ویژه در طول زندگی از منبعی ذی‌فضل به جهت انجام مسئولیت‌های خاص دریافت می‌کند - است. این توان‌ها در هر فردی ذیل محدوده خاصی به نام شاکله فرد قرار می‌گیرد. به این صورت زمینه و اقتضای ایجاد افعال و اعمال خاصی را همراه با رغبت و اراده‌ای ویژه از گذر مسیری مشخص و سهل‌الوصول‌تر فراهم می‌آورد. این توان‌ها وقتی در مسیر مختص خودشان قرار می‌گیرند، برای فرد وسعت و قدرت عمل بیشتری ایجاد کرده، طاقت رویارویی با مشکلات و موانع شکوفایی آن‌ها را به او می‌دهند و در نهایت این فرایند قابلیت تبدیل شدن به عملی همسرخ با خواست و اراده الهی را دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

به منظور استخراج تعریف استعداد از قرآن کریم، شبکه‌ای از واژگان قرآنی انتخاب شد که به نسبت مفهوم استعداد، دسته‌بندی و طبقه‌بندی شدند. گروهی از واژگان به مقدمات شکل‌گیری مفهوم استعداد، گروهی به لازمه‌های شکل‌گیری استعداد و گروهی به آثار و نتایج شکل‌گیری استعداد اشاره داشتند. در این قسمت هر دسته از واژگان به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته است.

**الف - واژگان مقدماتی گروه اول عبارتند از:** «ورث» که به توان‌های ذاتی اشاره دارد، «نعمت» که به توان‌های اکتسابی عمومی اشاره دارد و «فضل» که به توان‌های اختصاصی اشاره دارد.

#### ۱- توان‌های ذاتی:

با استناد به واژه «ورث» و ارتباطی که معنای این واژه با مفهوم استعداد دارد، روشن است که بخشی از زمینه‌های شکل‌گیری استعداد براساس انتقال توانمندی‌های ارثی از خانواده و والدین است. به این ترتیب واژه ورث به نسبت مفهوم استعداد در بخش مقدماتی تعریف مذکور قرار گرفت. در قرآن منظور از ارث اعم از مسائل مالی و غیرمالی است. خداوند در انتهای آیه 32 سوره فاطر، ارث کتاب را ناشی از فضل خودش می‌خواند.<sup>۱</sup> این مسئله می‌تواند تأکیدی بر ذاتی و ارثی بودن ماهیت بخشی از ظرفیت و استعداد‌های انسان باشد که الزاماً وابسته به تلاش و اکتساب او نیست.

۱- ذَلِك هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ. علامه طباطبایی ذیل آیه می‌فرماید: اینکه بیان داشته کتاب را ارث دادیم، خود فضلی بزرگ از ناحیه خداست که فعالیت و کوشش کسی در آن دخالت ندارد و چنان نیست که کسی از راه عمل به وظایف، به آن فضل برسد.

## ۲- توان‌های اکتسابی عمومی

واژه دیگری که به ظرفیت و استعدادهای عمومی انسان در تعریف قرآنی آن اشاره داشت، واژه «نعمت» بود. ظرفیت به معنای آمادگی دریافت و بهره‌مندی از چیزی است. به عبارت دیگر این معنا می‌تواند ناظر به وجود نیازی در انسان باشد که به واسطه وجود آن، ظرفیت دریافتی به او داده شده تا بتواند نیازهایش را برطرف کند. از طرفی در مفهوم استعداد نیز یکسری ظرفیت‌های اولیه وجود دارد که متناظر آن‌ها در قرآن وجود نعمت‌های اولیه‌ای است که حیثیتی عمومی نیز دارند. این نعمت‌ها به حظ، بهره و امکانات عمومی همه انسان‌ها اشاره دارد که متنوع هم هستند. این تنوع می‌تواند نشانه آن باشد که ضعیف‌ترین و محدودترین انسان‌ها هم از ظرفیت و استعدادهایی برخوردار هستند که از دیدشان پنهان مانده و تنها راه بازشناسی آن‌ها، ذکر و یادآوری چندباره در موقعیت‌های مختلف و استفاده برنامه‌ریزانه از آن‌هاست. این استفاده منجر به رفع نیاز شده و حس آرامش و خوشی را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

از دیگر مؤلفه‌های مربوط به استعداد، مواجهه انسان با این ظرفیت‌ها در بسترهای مختلف است. به این ترتیب مواجهه‌های مثبت و صحیح، او را به سمت ظهور توان‌های ثانویه‌ای هدایت می‌کند و مواجهه‌های ناصحیح، همان استعدادهای اولیه را نیز از بین می‌برد. بنابراین در مفهوم نعمت نیز بحث نحوه مواجهه مهم می‌شود که می‌تواند انسان را به نعمت‌های ثانویه رسانده یا منجر به تبدیل و تغییر آن نعمت شود. بنابراین می‌توان گفت استعداد از وجهی همان نعمت اولیه و عمومی است که نوع مواجهه انسان با آن به بهره‌مندی از نعمات ثانویه (ظهور توان) یا از بین رفتن نعمات اولیه منجر می‌شود.

توجه به جنبه عمومی استعداد که در تقابل با تعاریف سنتی موجود از آن، استعداد را در انحصار افرادی خاص با بهره‌های هوشی ویژه می‌دانستند، هم‌راستا با نظریات و تعاریف جدید از استعداد است که بر عمومی بودن آن صحنه می‌گذارد (طبق یافته‌های لوهان، ۲۰۰۵؛ اسنو، کورنو و کرانباخ، ۲۰۰۲؛ پلاکر و باراب، ۲۰۰۵؛ ویلا و زیگلر، ۲۰۱۶؛ و دای، ۲۰۲۰).

## ۳- توان‌های اختصاصی

«فضل» واژه انتخابی دیگری از قرآن بود که به معنای برتری و توانمندی است، از جانب خداوند به انسان داده شده و به عبارتی به توان‌های بروز یافته او اطلاق می‌شود. طبق آیات قرآن، فضل موهبتی الهی است که عمدتاً به دست آوردنی و شکوفا کردنی است و هر فردی لازم است با اعمالش خود را در معرض شکوفایی آن قرار دهد (نساء، ۱۷۳). همین ویژگی فضل، جنبه ظرفیتی آن را نشان می‌دهد که لازم‌اش برنامه‌ریزی برای شکوفایی و استفاده بهینه از آن است و از همین نقطه با معنای استعداد وجهی مشترک پیدا می‌کند.

از طرف دیگر در تعاریف و نظریه‌های جدید، تمرکز کمتری به صرف ذاتی بودن استعداد شده و عده‌ای معتقدند که می‌توان استعداد را از طریق آموزش، تمرین و ممارست نیز کسب کرد (کلمن و کروس، ۲۰۰۱؛ کارنس و بین، ۲۰۰۱؛ رنزولی و ریس، ۱۹۸۵؛ تاملینسون، ۲۰۱۴؛ ویلا و زیگلر، ۲۰۱۶؛ و دای، ۲۰۲۰).

وجه ارتباط دیگر بین فضل و استعداد، ماهیت بیرونی و اجتماعی آن است. به عبارت دیگر معمولاً افراد به واسطه استعداد‌های ویژه‌ای که دارند از یکدیگر متمایز شده (اسراء، ۲۱)<sup>۱</sup> و این تمایز موجب می‌شود تا در برابر دیگران مسئول بوده (نور، ۲۲)، توان خود را در اختیار ایشان قرار دهند. به همین دلیل یکی از آسیب‌هایی که انسان با آن مواجه است، بخل صاحبان فضل، تکبر یا بی‌تقوایی آن‌هاست (اخوت، ۱۳۹۳، ص ۹۲).

به این ترتیب مشخص شد که از منظر قرآن برای استعداد و ریشه‌های پدیدآیی آن می‌توان انواعی در نظر گرفت؛ اعم از مسائل وراثتی، داشته‌های عمومی و توانمندی‌های اختصاصی که هر کدام هم می‌تواند به شکل ظرفیتی اولیه در انسان وجود داشته باشد و هم می‌تواند به واسطه سعی و تلاش و استفاده‌ای که انسان از آن‌ها می‌کند، افزایش یافته و استعدادها و توانمندی‌های دیگری را به این شکل نصیب ایشان کند.

پژوهش‌هایی که در مورد نقش وراثت در استعداد میان خانواده‌هایی با استعداد‌های ویژه انجام شده، مؤید مؤلفه قوی خانوادگی در ایجاد توانایی‌های استثنایی میان آن‌هاست (وینکوویز و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۳۸۹). در عین حال دی بروین و همکاران (۲۰۰۸، صص ۴۹۲-۴۹۱) نیز براساس یک پژوهش طولی نتیجه گرفتند که تمرین عمیق و آگاهانه، می‌تواند تغییرات زیادی را در نحوه عملکرد افراد ایجاد کند. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که همان اندازه که تمرین و ممارست اهمیت دارد، وراثت نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در عین حال وراثت‌پذیری بالا نیز به معنای کم‌اهمیت بودن تأثیرات محیط نخواهد بود.

جمع‌بندی این مطالعات در مورد علل تغییر در توانمندی افراد معمولی نشان می‌دهد که این موضوع لزوماً ناشی از تفاوت‌های ژنتیکی عمیق نبوده و بحث در مورد سبب‌شناسی این تغییرات حتی در مورد توانمندی‌های استثنایی نیز بسیار است. به این ترتیب استفاده از امکانات و نعمت‌های عمومی و اختصاصی در افراد در کنار اهمیت وراثت در استعداد در این پژوهش‌ها مشهود و مؤید استفاده از واژگان به دست آمده از قرآن در پژوهش حاضر هستند.

**ب - واژگان لازمه معنای شکل‌گیری مفهوم استعداد عبارتند از «شکل»** که به محدوده‌های عمل فرد اشاره دارد، «طوع» که به رغبت و اراده فرد اشاره دارد، «سبیل و یسر» که به مسیری خاص، منحصر به فرد و سهل الوصول برای فرد اشاره دارند، «وسع» که به وسعت و ظرفیت وجودی فرد اشاره دارد، «قدر» که به قدرت عمل فرد اشاره دارد و «طوع» که به طاقت و رویارویی با مشکلات پیش‌رو در فرد اشاره دارد.

۱- علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌فرماید: این جمله اشاره است به تفاوت درجات که از سعی و کوشش انسان ناشی می‌شود. تا کسی توهم نکند که سعی بسیار و سعی اندک هر دو یکی است. بنابراین معنای آیه به این صورت می‌شود که ما بعضی از مردم را در دنیا بر بعضی دیگر برتری دادیم و برتری در دنیا به این است که مال، متاع، جاه، فرزندان، نیرو، شهرت، ریاست، آقایی و مقبولیت در بین مردم که متاع‌های دنیایند، در بعضی بیشتر از بعضی دیگر باشد.



### ۱- محدوده و دامنه‌ای برای بروز عمل در فرد

طبق آیه ۸۴ سوره اسراء، آدمی به هر «شاکله»‌ای که باشد و هر صفت روحی که داشته باشد، عمل مطابق همان شاکله از او سر زده و اعمال بدنی او همان صفات و فعلیات روحی را مجسم می‌کند. به این ترتیب آیه کریمه، عمل انسان را مترتب بر شاکله او در نظر گرفته است. این موضوع هم با تجربه و هم از راه بحث‌های علمی به ثبوت رسیده که میان ملکات نفسانی و احوال روح و میان اعمال بدنی رابطه خاصی است. همچنین ثابت شده که میان صفات درونی و نوع ترکیب بنیه بدنی انسان نیز ارتباط خاصی وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۶۲). بنابراین رابطه واژه شاکله با مفهوم استعداد در تعریف به دست آمده از قرآن در این پژوهش از آنجایی است که اعمال و فعالیت‌هایی از انسان سر می‌زند که در محدوده شاکله وجودی اوست و دانستن این مسئله از جهت اینکه افراد به سمت انجام فعالیت‌هایی خارج از محدوده وجودی‌شان نروند و به فرموده آیه ۳۲ سوره نساء تمنای توان و استعدادهای دیگران را نداشته باشند، مفید است. چرا که این موضوع هم مانع رشد و بروز توان‌های منحصر به فرد افراد شده و هم ممکن است منجر به بروز آسیب‌هایی چون حسد در ایشان شود.

### ۲- رغبت و اراده فردی

یکی دیگر از مؤلفه‌های معنایی استعداد در قرآن، مفهوم استطاعت بود که با ریشه «طوع» از آن یاد شده است. طوع مقابل کراهت بوده و به این معناست که انسان کاری را به رضا و رغبت خود انجام دهد. چنانچه ذیل آیه ۳۳ سوره الرحمن، استطاعت به معنای قدرت گرفته شده؛ با این مفهوم که وقتی کسی کاری را با طیب خاطر و رغبت می‌تواند انجام دهد، به معنی داشتن توان، استطاعت و قدرت برای انجام آن کار است که از همین وجه ارتباط معنایی این واژه با مفهوم استعداد مشخص می‌شود.

در این رابطه فردریک و همکاران (۲۰۱۰) داده‌های یک مطالعه طولی را برای بررسی و مقایسه مفهوم اشتیاق در حوزه‌های دانشگاهی و غیردانشگاهی مورد استفاده قرار دادند. آن‌ها نتیجه گرفتند که مفهوم اشتیاق در حوزه‌های غیردانشگاهی به نسبت دانشگاهی نقش بیشتری ایفا می‌کند. این در حالی است که به طور کلی در حوزه استعداد، توجه زیادی به این مفهوم نشده و پژوهش‌های اندکی نیز در مورد آن وجود دارد.

### ۳- مسیری خاص، منحصر به فرد و سهل الوصول برای عمل فرد

واژه انتخابی دیگر در پژوهش حاضر، ذیل تعریف به دست آمده از استعداد در قرآن کریم، «سبیل» بود که به معنای مسیری برای رسیدن به مقصدی مشخص است. در سبیل، هموار بودن آن برای رونده مهم است و البته این همواری به معنای نداشتن سختی نیست؛ بلکه به معنای طی طریق کردن بدون ناخوشی و گره است. بر این اساس مفهوم سبیل نزدیک به مفهوم سیر شده و بر افراد، شیء‌ها و دارایی‌های آن‌ها منطبق می‌شود. بنابراین هر کس متناسب با توانی که دارد، می‌تواند راهی را طی کند (خوت، ۹۳، ص ۱۲۲).

چنانچه خداوند در آیات متعددی وعده هدایت انسان به مسیرهای شایسته خودش را داده<sup>۱</sup> و بر خود واجب کرده که ایشان را به آن راه هدایت کند. به این ترتیب در مفهوم سبیل، مسیری وجود دارد که در آن، سهولتی از جنس هدایت عامه الهی برای رسیدن به مقصد نهفته است و فرد با قرار دادن ظرفیت‌های بالقوه‌اش در این مسیر می‌تواند شکوفایی آن‌ها را تسهیل کند. این سهولت به آن معناست که فرد در مقایسه با سایر مسیرها می‌تواند از این مسیر ظرفیت مشخصی را با سرعت و آسانی بیشتری از خود بروز دهد و به معنای نداشتن تلاش و مجاهدت نیست. در مفهوم استعداد نیز چنین ویژگی‌هایی را می‌توان یافت. به عبارت دیگر چنانچه این فرض را در مورد انسان بپذیریم که همه ظرفیت‌های بالقوه را دارا باشد، برخی از آن‌ها در هر فردی به بروز نزدیک‌تر هستند و افراد به سهولت بیشتری می‌توانند از آن استفاده کرده و به مقاصد و اهدافی که دارند برسند. با استناد به همین واژه یکی از تفاوت‌های معنایی استعداد در قرآن و روان‌شناسی، جهت‌مند بودن آن است. جهت در سبیل همانند سیر یا به سمت مثبت است یا منفی. بنابراین سبیل الله و سبیل طاغوت دو جهتی هستند که برای سبل متصور بوده و قرار دادن آن‌ها در هر کدام از آن‌ها، انسان را به مقصد بخصوصی می‌رساند که در روان‌شناسی به این نکته اهمیت زیادی داده نشده و صرف وجود توان‌های مختلف فارغ از اینکه انسان این توانمندی‌ها را در چه مسیری استفاده می‌کند، مورد بحث قرار گرفته است.

«یسر» نیز واژه دیگری است که مفهوم کلی‌اش در سبیل وجود داشته و به همان سهولتی اشاره دارد که در طی کردن مسیر و آسان بودن انجام فعالیت‌ها، برای فرد مقرر شده است. به این ترتیب به نظر می‌رسد منظور از این آسان بودن، تناسبی است که این امر با توان‌های فرد مؤمن دارد. به این معنا که فرد، با ایمان و عمل صالحی که انجام داده، خودش را در سبیلی قرار داده که این سبیل، هدایتی از جنس بروز و شناسایی توان‌ها و استعدادها را برای او ایجاد کرده است. در پی این بروز، مسئولیت‌هایی برایش رقم می‌خورد و بنابراین وارد انجام اموری می‌شود که ظرفیت‌هایی از قبل به واسطه تعیین سبیلش برای او ایجاد شده است.

در ادبیات پژوهشی موجود در حیطه استعداد، به‌طور چشمگیری به مفهوم مسیر و تعیین مقصد پرداخته نشده و تنها در یکی از اصول الگوی استعداد سابوتنیک و همکاران (۲۰۱۱) به موضوعی شبیه به این مسئله اشاره شده است که حیطه‌های مختلف موضوعی، مسیرهای رشد استعداد منحصر به فردی در طول زندگی دارند. به این ترتیب این پژوهشگران هم‌راستا با یافته‌های پژوهش حاضر معتقدند که روشن شدن ماهیت مسیرهای عملکرد هر فردی در دوران مختلف رشدش از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۱- طبق نظر علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، خداوند با آیاتی مانند آیه ۱۲ سوره لیل «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ» اینطور می‌رساند که هدایت خلق از اموری است که قضایش را رانده و آن را به اقتضای حکمتش بر خود واجب کرده است.

#### ۴- وسعت و ظرفیت وجودی فرد

واژه انتخابی دیگر «وسع» بود که به معنای توانایی و تمکن است. اصل در آن وسعت مکانی بوده و بعدها قدرت آدمی چیزی نظیر ظرف تصور شده که افعال اختیاریش از آن صادر می‌شود. به این ترتیب می‌توان گفت کارهایی که از آدمی سر می‌زند در حدود قدرت و ظرفیت او بوده و آنچه از او سر نمی‌زند، ظرفیتش را نداشته است. در نتیجه این استعمال، معنای وسعت با طاققت منطبق شده و در آخر طاققت را وسع نامیده‌اند. به این ترتیب وسع آدمی به معنای طاققت و ظرفیت قدرت اوست و پیرو همین توانمندی‌ها و وسعت وجودی است که مسئولیت‌هایی برایش فرض می‌شود و خارج از آن‌ها تکلیفی بر او نخواهد بود. همین مسئله ضرورت شناسایی ظرفیت‌های منحصر به فرد هر کس و برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از آن‌ها را مشخص می‌کند.

استفاده از واژه «کسب» همراه با «وسع» در آیه ۲۸۶ سوره بقره نیز می‌تواند گریزی به آموزش‌پذیر بودن توان‌ها و استعداد‌های انسان داشته باشد. در این صورت می‌توان گفت استعدادها تنها ذاتی و ناشی از وراثت نیستند و هر آنچه را که انسان برای کسبش تلاش می‌کند، فهم کرده و براساس آن فعالیت‌هایی انجام می‌دهد، بهترین دلیل بر آن است که آنچه به دست آورده و متصف به آن شده، وسع و طاققتش را داشته است.

#### ۵- طاققت و رویارویی با مشکلات پیش رو در فرد

«طاققت» واژه انتخابی دیگری است که فراوانی‌اش در قرآن زیاد نبوده و معنای کلی آن باتوجه به آیات مرتبط با وسع و قدر و همچنین در قسمتی از آیه ۲۸۶ بقره که به همراه وسع آمده، اشتراک مفهومی داشت. نقش توانایی در استعداد، یکی از بحث برانگیزترین موضوعات در روان‌شناسی بوده و در عین حال از زمینه‌هایی است که شواهد قابل توجهی برایش وجود دارد. توانایی، به‌ویژه به‌عنوان ضریب هوشی و سایر مؤلفه‌هایی که برایشان مقیاس‌های استاندارد شده‌ای وجود دارد، می‌تواند نتایج معتبر بسیاری از جمله موفقیت‌های تحصیلی را پیش‌بینی کند (برادی، ۱۹۹۷؛ سیسی و ویلیامز، ۲۰۱۰؛ کانوسکی، ۱۹۹۰؛ کانسیل و هنزلت، ۲۰۱۰؛ کانسیل و همکاران، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴؛ کانسیل و همکاران، ۲۰۱۰؛ و سیموتون و سانگ، ۲۰۰۹). با این وجود در مورد اینکه آیا تفاوت‌های اولیه در توانایی، با عملکرد برجسته در آینده فرد مرتبط هستند و آیا تفاوت در توانایی ذاتی است یا خیر، همچنان اختلاف نظر وجود دارد. به این ترتیب به نظر می‌رسد که مؤلفه توان و طاققت فرد به‌عنوان یک اصل ثابت و قطعی در بحث استعداد‌های انسان بوده و تنها در این زمینه تنوعی از نظرات وجود دارد.

#### ۶- قدرت عمل فرد

«قدر» نیز از جمله واژگانی بود که مفهوم کلی تعریف قرآنی استعداد در آن وجود داشت. به عبارت دیگر قدر مفهومی است که به‌وسیله آن هر موجودی متمایز از غیر خود می‌شود. به طوری که اگر این حد و قدر نبود، تعیین و تمایز میان موجودات نیز از بین می‌رفت و هر موجود و شی‌ای می‌توانست در حکم دیگری نیز باشد. بنابراین معلوم می‌شود که خدا برای هر چیزی قدری قرار داده که از آن تجاوز نمی‌کند و با آن قدر معین و معلوم شده و از ابهام

در می‌آید. از این بیان روشن می‌شود که «قدر» عبارت از خصوصیت وجودی و کیفیت خلقت هر موجود است؛ همچنان که در آیات ۲ و ۳ سوره اعلی و ۵۰ سوره طه به این نکته اشاره شده است.

**ج - واژگانی** که به آثار منتج از شکل‌گیری استعداد اشاره دارند، عبارت بودند از: «فعل» که به ایجاد قصد و نیت برای انجام کاری در فرد اشاره دارد، «عمل» که به اجرا و بروز فعل در فرد اشاره دارد و «عمل و کلف» که به قابلیت اعمال و تکالیف انسان در هم‌راستایی با اراده الهی اشاره دارند.

تمامی ذواتی که در عالم است، دارای افعال و آثاری هستند که انسان آن‌ها را سبب، فاعل و علت افعال می‌داند. هیچ یک مستقل در سببیت خود نبوده و در فعل و اثر نیز از خدا بی‌نیاز نیستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۷۶). پیرو مطالبی که تا به اینجا گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که خدای تعالی به واسطه جریان هدایتش، زمینه بروز افعال و اعمالی را برای انسان ایجاد کرده یا به عبارت دیگر از این طریق راه رسیدن به اثر را برای او آسان و هموار کرده است. به این ترتیب افراد به واسطه اختیار کردن سبلی بر مبنای هدایت‌شان با استعداد و تمایزات‌شان از سایرین آشنا شده و مطابق همین آگاهی دست به افعال و اعمالی می‌زنند که تکلیف، وظیفه و مسئولیت‌شان در قبال آن استعدادهاست. برخی از افعال هم هستند که انسان را از سبیل خودش منحرف می‌کند؛ بدین صورت که فرد به واسطه اختیاری که دارد، استعدادهایش را در جهتی اشتباه به کار بسته و فعل و عملی نامتناسب با غایت و هدف آن‌ها انجام می‌دهد. این موضوع اهمیت جهت‌مند بودن استعداد را در قرآن پررنگ‌تر می‌کند. بعد از فعل، «عمل» به عنوان واژه نتیجه‌ای دیگر انتخاب شد که به واسطه جهت سبیلی که در آن جریان دارد، به عمل صالح و عمل سیئه تقسیم می‌شود و نتایجی را مطابق همان سبیل به دنبال دارد. آثار عمل صالح، ماندگاری، رضایت‌بخشی و ایجادکنندگی حیات (یونس، ۹؛ رعد، ۲۹؛ نحل، ۹۷ و...) و آثار عمل سیئه، نبود رضایت و حبط عمل است (محمد، ۳۲).

همانطور که پیش‌تر نیز بیان شد، اعمال در بستر سبیل اتفاق می‌افتند و از تجمیع برخی عوامل مثل جهت سبیل، استطاعت فرد بر انجام عمل، طوع و رغبت و... دارای آثار و نتایجی می‌شوند که این آثار نیز درجانی داشته و نشان می‌دهند هر فردی چه میزان از استعدادهایش را استفاده کرده است. همچنین براساس آیه ۴۲ سوره اعراف، خداوند انجام عمل که نتیجه استفاده از استعدادهاست را منوط به وسع و استطاعت انسان کرده است. پس هرکسی لازم است براساس استعدادهایش - کم یا زیاد - عملی انجام دهد. مجموعه این مسائل لزوم شناخت و استفاده از استعدادها را روشن کرده و نشان می‌دهد که گاهی انسان‌ها از استعدادهایشان به خوبی استفاده نمی‌کنند و نتیجه اعمال‌شان را از بین می‌برند، یا از همه آن استعدادهایی که دارا هستند بهره‌مند نمی‌شوند. مطابق همین مسئله در ادبیات پژوهشی موجود نیز بررسی خط سیر استفاده و بروز استعدادها در افراد نشان می‌دهد که معمولاً درصد کمی از استعدادهای افراد در طول زندگی بروز پیدا می‌کند. با این حال مقایسه ظرفیت‌های دوران کودکی و

برجستگی‌های عینی دوران بزرگسالی نشان می‌دهد که پایه و زمینه استعداد در انسان بسیار فراتر از آن چیزی است که در حال حاضر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در نهایت به نظر می‌رسد تعریف قرآن در مورد استعداد، تعریفی فرایندی است که از سه دسته واژه برای آن استفاده شده است و نیز تفاوت‌های شاخصی با سایر تعاریف موجود در آن مشهود است. از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به نگاه کل‌نگرانه و جامع قرآن به انسان و ویژگی‌هایش، فرایندی بودن در مقابل نقطه‌ای بودن بسیاری از تعاریف دیگر، جهت‌مندی و ماهیت اجتماعی و مسئولیت‌آوری آن اشاره داشت. به این ترتیب به واسطه نگاه کل‌نگرانه و جامع قرآن به انسان می‌توان ادعا کرد که نقص و محدودیت سایر نظریه‌ها که هر کدام از زاویه‌ای به انسان نگاه می‌کنند، در این تعریف، مشهود نیست. به واسطه فرایندی بودن آن می‌توان همزمان اشاراتی نیز به گام‌های ایجاد و شکوفایی استعداد در انسان داشت، به واسطه جهت‌مند بودن آن می‌توان گفت استعدادی قابل توجه و رشد دهنده است که در جهتی الهی و هم‌راستا با خواست خداوند مورد استفاده قرار بگیرد که خود این مسئله منجر به شکوفایی استعدادهایی با مراتب بالاتر در فرد می‌شود. در نهایت ماهیت اجتماعی و مسئولیت‌آور بودن استعداد قرآنی در انسان نشان می‌دهد که علیرغم نظریات موجود - که در آن‌ها مباحثی مانند هوش و استعداد بیشتر جنبه فردی داشته و از حیث رشد و رقابت‌های فردی به آن‌ها نگاه می‌شود - تمرکز بر منافع اجتماعی استعداد در این تعریف بیشتر بوده؛ به نحوی که وجود این توجه در انسان می‌تواند منجر به رشد توانمندی و استعدادهای افزون‌تری در او شود.

به این ترتیب با استناد به یافته‌های فوق می‌توان ادعا کرد مطالعه ساختارهای انسان از منظر قرآن می‌تواند دید جدید و جامع‌تری از ماهیت وجودی انسان ایجاد کند؛ تا حدی که بتوان اثرات آن را در سیاست‌گذاری‌های آموزشی و تربیتی نیز شاهد بود. بر این اساس پیشنهاد می‌شود در ادامه این پژوهش، پرسش‌نامه‌ها و پروتکل‌هایی برای سنجش استعداد براساس آموزه‌های قرآنی تهیه شود و در قدم‌های پیشرفته‌تر به نوع‌بندی استعداد از این منظر نیز پرداخته شده و روش‌های شناسایی اختصاصی برای هر دسته به دست آید تا بتوان به‌طور عملیاتی مورد استفاده محیط‌های آموزشی قرار گیرد.

## منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- اخوت، ا. (۱۳۹۳). *معناشناسی رشد*. تهران: قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
- سیدجوادی، س.؛ و پهلوان شریف، م. (۱۳۹۶). *مدیریت استعداد؛ مبانی و رویکردهای مفهومی*. اندیشه مدیریت راهبردی. ۱۱ (۱)، ۱۷۰-۱۴۱.
- صادقی مال امیری، م. (۱۳۹۲). *الگوی چپستی استعداد*. *دوفصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)*. ۵ (۲)، ۸۰-۵۳.

طباطبایی، م. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیرالمیزان (مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

علم‌الهدی، ج؛ قاسم‌زاده، ع؛ و مهاجر دارایی، ه. (۱۳۹۸). مفهوم‌شناسی استعداد به‌مثابه یکی از عوامل رشد در قرآن از منظر علامه طباطبایی و صدرالمألهین. *مجله آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*. ۱۶ (۳۰)، ۲۷-۵۴.

قرشی‌بنایی، ع. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مصطفوی، ح. (۱۳۸۵). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب بالاسلامیه.

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.

Brody, N. (1997). Intelligence, schooling, and society. *American Psychologist*, (52), 1046-1050.

Ceci, S. J., & Williams, W. M. (2010). *The mathematics of sex: How biology and society conspire to limit talented women and girls*. Oxford, England: Oxford University Press.

Coleman, L. J., & Cross, T. L. (2001). *Being gifted in school: An introduction to development, guidance, and teaching*. Waco, TX: Prufrock Press.

Dai, D. Y. (2020). Introduction to the Special Issue on Rethinking Human Potential: A Tribute to Howard Gardner. *Journal for the Education of the Gifted*, 43 (1), 3-11.

De Bruin, AB., Smits, N., Rikers, RM., & Schmidt, HG. (2008). Deliberate practice predicts performance over time in adolescent chess players and drop-outs: a linear mixed models analysis. *Br J Psychol*, (99), 473-497.

Frank, F.D., & Taylor, C.R. (2004). Talent Management: Trends that Will Shape the Future. *Hr. Human Resource Planning*, 27 (1), 33-41.

Fredricks, J. A., Alfeld, C., & Eccles, J. S. (2010). Developing and fostering passion in academic and nonacademic domains. *Gifted Child Quarterly*, (54), 18-30.

Gallardo-Gallardo, E., Dries, N., & Gonzalez-Cruz. (2013). What is the meaning of 'talent' in the world of work? *Human Resource Management Review*, (23), 290-300.

Galton, F. (1869). *Hereditary genius: An inquiry into its laws and consequences*. New York, NY: Appleton.

- Iles, P., Preece, D., & Chuai, X. (2010). Talent management as a management fashion in HRD: Towards a research agenda. *Human Resource Development International*. (13), 125-145.
- Kanevsky, L. (1990). Pursuing qualitative differences in the flexible use of problem solving strategies by young children. *Journal for the Education of the Gifted*. (13), 115-140.
- Karnes, F. A., & Bean, S. M. (Eds.). (2001). *Methods and materials for teaching the gifted*. Waco, TX: Prufrock Press.
- Klein, P. (1993). *The Handbook of Psychological Testing*. New York: Taylor & Francis group.
- Kuncel, N. R., & Hezlett, S. A. (2010). Fact and fiction in cognitive ability testing for admissions and hiring decisions. *Current Directions in Psychological Science*. (19), 339-345.
- Kuncel, N. R., Hezlett, S. A., & Ones, D. S. (2001). A comprehensive meta-analysis of the predictive validity of the Graduate Record Examinations: Implications for graduate student selection and performance. *Psychological Bulletin*. (127), 162-181.
- Kuncel, N. R., Hezlett, S. A., & Ones, D. S. (2004). Academic performance, career potential, creativity, and job performance: Can one construct predict them all? *Journal of Personality and Social Psychology*. (86), 148-161.
- Kuncel, N. R., Wee, S., Serafin, L., & Hezlett, S. A. (2010). The validity of the Graduate Record Examination for master's and doctoral programs: A meta-analytic review. *Educational and Psychological Measurement*. (70), 340-352.
- Lawler, E. E. III., Mohrman, S. A. (2003). HR as a strategic partner: What does it take to make it happen? *Human Resource Planning*. 26 (3), 15-29.
- Lewis, R. E., & Heckman, R. J. (2006). Talent management: A critical review. *Human Resource Management Review*. (16), 139-154.
- Lohman, D. (2005). An Aptitude perspective on Talent: Implications for Identification of Academically Gifted Minority students. *Journal for the Education of the Gifted*. 3 (28), 333-360.
- Neisser, U., Boodoo, G., Bouchard, T. J., Jr., Boykin, A. W., Brody, N., Ceci, S. J., & Urbina, S. (1996). Intelligence: Knowns and unknowns. *American Psychologist*. (51), 77-101.
- Patton, M. Q. (1990). *Qualitative evaluation and research methods*. Thousand Oaks, CA: Sage.

- Plucker, J. A., & Barab, S. A. (2005). *The Importance of Contexts in Theories of Giftedness. Conception of giftedness (Second Edition)*. Edited by STERNBERG ROBERT J., & DAVIDSON, JANET E. New York: Cambridge university press.
- Renzulli, J. S., & Reis, S. M. (1985). *The schoolwide enrichment model: A comprehensive plan for educational excellence*. Mansfield Center, CT: Creative Learning Press.
- Simonton, D. K. (2001). Talent development as a multidimensionalmultiplicative, and dynamic process. *Current Directions in Psychological Science*. 10, 39–43
- Simonton, D. K., & Song, A. V. (2009). Eminence, IQ, physical and mental health, and achievement domain: Cox’s 282 geniusesrevisited. *Psychological Science*. (20), 429-434.
- Snow, R. E., Corno, L., & Cronbach, L. J. (2002). *Remaking the concept of aptitude: Extending the legacy of Richard E. Snow*. Mahwah, N.J: L. Erlbaum.
- Subotnik, R. F., Olszewski-Kubilius, P., & Worrell, F. C. (2011). Rethinking giftedness and gifted education: A proposed directionforward based on psychological science. *Psychological Science in the Public Interest*. (12), 3-54.
- Tomlinson, C. A. (2014). *Differentiated instruction*. In J. A. Plucker & C. M. Callahan (Eds.), *Critical issues and practices in gifted education: What the research says* (pp. 197–210). Prufrock Press.
- Upadhyay, J., D’cruz, K., D’souza, V., Timande, C., & Vivekkumar, R. (2017). Stream Analysis Using Online Aptitude Test. *International Journal of Latest Engineering Research and Applications*. (IJLERA) ISSN: 2455-7137 Volume – 02.
- Vinkhuyzen, A., Sluis, S., Posthuma, D., & Boomsma, D. (2009). The heritability of aptitude and exceptional talent across different domains in adolescents and young adults. *Behavior Genetics*. 39 (4), 380-392.
- Vialle, W., & Ziegler, A. (2016). *Gifted education in modern Asia: Analyses from a systemic perspective*. In D. Y. Dai & C. C. Kuo (Eds.), *Gifted Education in Asia: Problems and Prospects* (pp. 273-291). Charlotte, United States: Information Age Publishing.